

رازشانه

هم معنی (مترادف)

آسیاب: دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم، جو و دانه های دیگر
می لنگید: لنگان لنگان راه می رفت
حاکم: فرمانروا
ندیشیدم: فکر کردم
حدس: گمان
نشانی: علامت
فهمیدم: دانستم
رد پا: جای پا
گود افتاده بود: فرو رفته بود
دلایل: علت
معذرت: عذرخواهی

کلمات مخالف (متضاد)

کم ≠ زیاد
خوب ≠ بد
چپ ≠ راست

کلمات هم خانواده

فهم ، فهمیدن ، فهیم
معذرت، عذر ، معذور
حاکم، حکیم، حکم

واژه آموزی: هم آوا (متشابه)

با دقت در جمله های پایین ، در مورد رابطه واژه های مشخص شده، فکر کنید:

- اساس (پایه) زندگی ، اثاث (وسایل) زندگی نیست.
- او در طول حیات (زندگی) خویش، به زیبایی حیاط (فضا) خانه، توجه فراوان داشت.
- زکریای رازی (اهل ری) ، از زندگی و عمر خود، راضی (خشنود) بوده است.

در جمله های بالا، واژه هایی را میبینیم که تلفظ آنها یکسان؛ امام معنی آن ها متفاوت است. به این گونه واژه ها، واژه های هم آوا یا متشابه می گویند. برای املاي این گونه کلمات، باید به معنی آن ها توجه کرد.

| | | |
|--|--|---|
| خوار = کم ارزش و کوچک خار = تیغ گل یا خاشاک | سد = دیواری برای جمع کردن آب صد = عددی در ریاضی | خیش = گاو آهن خویش = خود ، فامیل |
| خاست = بلند شد خواست = میل ، آرزو ، طلب | ثواب = پاداش اخروی صواب = درست | غریب = بیگانه قریب = نزدیک |
| نصر = پیروزی نسر = کرکس نثر = نوشته ای که شعر نیست | عرض = پهنا ارض = زمین ارز = پول خارجی | خُرد = کوچک که در مقابل بزرگ است خورد = خوراک |